

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی
دانشگاه سلامت

سال پنجم، شماره ۵۱، آذر ۱۴۰۱



اللهم صل على محمد وآل محمد وصلى على ابي عبد الله محمد بن عبد الله بن عبد المطلب

اوستایا امام زمان

يا فاطمة الزهراء بنت محمد وآل محمد صلوات الله وسلامه وبركاته عليه

يا رسول الله اني اتبعك في كل وقت وفي كل حال وفي كل زمان وفي كل مكان





مشاهده شماره‌های پیشین نشریه

نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم

مدیرمسئول: دکتر ابوالفضل ایرانی خواه

سردبیر: دکتر اکرم حیدری

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

حمید آسایش، مرتضی حیدری، محسن رضایی آدریانی،

محمود شکوهی تبار، زهرا طاهری خرامه، احمد مشکوری، محمد مهری لبقوان،

صادق یوسفی

تیم اجرایی: محمد سالم، مریم سادات موسوی، زهرا علایی طباطبایی

ویراستار: حورا خمسه

طراحی و صفحه آرایی: فاطمه سادات حسینی

ماهنامه «دانش سلامت و دین» ضمن استقبال از نقدها و پیشنهادهای شما،

آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.

سخن آغازین

۴.....دعا برای پدر و مادر.....

۵.....پیام سلامت و دین (۱۸).....

سلامت در قرآن

۷.....تأثیر آموزه‌های قرآن کریم در تحلیل نقش مؤلفه سن در بهزیستی.....
نورا کمالیون، پرستو فرجی، محمود شکوهی تبار

سلامت در احادیث

۹.....خودشناسی و تأثیر آن در سلامت جسمی و روانی.....
زهرا ساجد

فقه سلامت

۱۱.....احکام اوتانازی (۳)؛ بررسی فقهی اقسام اوتانازی غیرفعال.....
احمد مشکوری

تحلیل اخلاق - حقوق موارد

۱۲.....افشای اسرار بیمار.....
حمید آسایش، احمد مشکوری

تاریخ علوم پزشکی

۱۳.....معرفی سند اجازه‌نامه و گواهی طبابت «میرزا فضل الله وثوق‌الحکماء».....
مریم محسنی سیف‌آبادی

معرفی کتاب

۱۵.....تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق.....

زلال سلامت

۱۶.....مست صهبا.....

۱۷.....پیام سلامت و دین (۱۶).....



راهنمای نویسندگان



منابع مورد استفاده با نوشتن نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان و سال انتشار در داخل کمان به صورت درون متنی آورده شود و فهرست منابع در پایان مقاله به صورت الفبایی و به ترتیب منابع فارسی و منابع انگلیسی ذکر شود و چنانچه قرآن کریم جزو منابع مقاله بود، به عنوان نخستین منبع در بخش منابع نوشته شود. ارجاع درون متنی برای یک نویسنده (سهرابی، ۱۳۹۵)، برای دو نویسنده (امیری و کاتبی، ۱۳۸۹)، برای بیش از دو نویسنده (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۲)، و در مواردی که به یک سازمان به عنوان نویسنده سند، ارجاع داده می شود، (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴) نوشته شود. در انتهای مقاله نیز منابع در قالب زیر آورده شوند:

- (کتاب، مقاله، پایان نامه): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان). عنوان مقاله/ کتاب/ پایان نامه، عنوان مجله، سال انتشار، شماره و دوره، شماره صفحات.

- (صفحات وب): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان)، عنوان متن، نشانی صفحه (URL)، تاریخ دسترسی.

- مقالات دریافتی توسط سردبیر و هیأت تحریریه نشریه بررسی شده و نتیجه بررسی به نویسنده مسئول اعلام خواهد شد.

- انتشار تمام یا بخشی از مقالات مرتبط که در دیگر مجلات داخلی یا خارجی به چاپ رسیده باشد، با رعایت شرایط اخلاقی و حقوقی، بلامانع است.

- نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.

رایانامه hrij@muq.ac.ir



نشریه دانش سلامت و دین، ماهنامه علمی - اطلاع رسانی است که با هدف گسترش مباحث مشترک حوزه سلامت و دین، به صورت الکترونیکی منتشر می شود. جامعه هدف این نشریه را اعضای جامعه علوم پزشکی کشور تشکیل می دهند. این نشریه آمادگی دارد مطالب ارسالی اندیشمندان، پژوهشگران و صاحب نظران محترم را بررسی و در صورت انطباق با معیارهای مورد نظر، اعم از معیارهای شکلی و محتوایی، منتشر نماید. محتوای نشریه مبتنی بر موضوعات مشترک حوزه سلامت و دین، همانند سلامت در قرآن، سلامت در احادیث، فقه سلامت، اخلاق سلامت و فلسفه سلامت است. افزون بر این، مقالات مرتبط با عنوان نشریه که خارج از موضوعات اشاره شده باشند؛ همانند سبک زندگی سالم و تمدن نوین اسلامی نیز، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. لازم است مقالات شامل موارد زیر باشند:

- عنوان، نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی و وابستگی سازمانی نویسنده/ نویسندگان، شماره تماس و رایانامه نویسنده مسئول، متن مقاله، منابع و چند جمله مهم برگزیده از متن.

- توصیه می شود در هنگام ارسال مقاله، مشخص شود مربوط به کدام یک از موضوعات نشریه است. مقالات حداکثر در سه صفحه تنظیم شده باشد. مقالات طولانی تر نیز، چنانچه قابلیت انتشار در دو یا چند شماره پیاپی را داشته باشند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

- مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان بوده و پاسخگویی به نویسندگان همکار با نویسنده مسئول است.

- مقالات در قالب فایل Word و با رعایت قواعد نگارش علمی تهیه و ارسال شوند.

دعا برای پدر و مادر

پاکیزه و دل‌نشین و خوی و خصلتم را در برابر آنان نرم کن و دلم را به هر دو مهربان ساز و مرا در برابر هر دو اهل مدارا و نرمش و مهربان و دلسوز گردان.

خدایا! آنان را به پاس پرورش من پاداش بخش و در برابر گرامیداشت من جزا عنایت فرما و هر چه را در کودکی ام به من منظور داشتند، در حق آنان منظور دار. خدایا! آنچه از جانب من به ایشان آزار رسیده، یا کار ناپسندی از سوی من به آن‌ها رسیده است، یا حقی را که از آنان بر عهده من بوده و ضایع شده است، همه را موجب ریختن گناهانشان و بلندی مقامشان و افزونی خوبی‌هایشان قرار ده. ای تبدیل‌کننده بدی‌ها به چندین برابرش به خوبی‌ها.

خدایا! آنچه را پدر و مادرم، در سخن گفتن با من، اگر از اندازه بیرون رفتند، یا در کاری نسبت به من زیاده‌روی کردند، یا حقی را از من به تباهی کشیدند، یا نسبت به واجبی از من کوتاهی کردند، همه را به آنان بخشیدم و همه آن‌ها را به هر دو تشار کردم و از تو می‌خواهم که وزر و وبال آن را از دوش آنان برداری؛ زیرا من آنان را نسبت به خود، در کوتاه آمدنشان از حقم متهم نمی‌کنم و آنان را در نیکوکاری‌شان درباره خود سهل‌انگار نمی‌دانم و از آنچه درباره‌ام انجام داده‌اند، ناراضی نیستم. ای پروردگار من! حق آنان بر من، از حق من بر آنان واجب‌تر و احسانشان به من پیش‌تر و دیرین‌تر و نعمتشان به من عظیم‌تر از این است که بر اساس عدالت، کارشان را تلافی کنم، یا با آنان مانند آنچه را با من رفتار کردند، رفتار کنم. ای خدای من! اگر چنین کنم، روزگار مدیدی که به تربیتم مشغول بودند و زحمت سختی که در نگهداری من تحمل کردند و آن

خدایا! بر محمد بنده و فرستاده‌ات و بر اهل بیت پاکش درود فرست و آنان را به برترین درودها و رحمت و برکات و سلام خود، مخصوص گردان.

خدایا! پدر و مادرم را به گرمی داشتن نزد خود و درود از جانب حضرتت برگزین، ای مهربان‌ترین مهربانان! خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و دانش آنچه از حقوق ایشان بر من واجب است، به من الهام کن، و دانش همه آن حقوق واجبه را برایم فراهم آور. سپس مرا به آنچه در این زمینه الهام کرده‌ای به کار گیر و برای انجام آنچه به دانستنت بینایم می‌کنی توفیق ده تا به کار بستن چیزی که به من آموخته‌ای از دستم نرود و اندامم از خدمت کردن بر اساس حقوقی که به من الهام فرموده‌ای، سنگین نشود.

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست؛ چنان‌که ما را به وجود مبارکش شرافت دادی و بر محمد و آلش درود فرست؛ همان‌سان که به سبب حضرتش حقی به سود ما بر عهده مردم واجب فرمودی.

خدایا! چنانم قرار ده که از پدر و مادرم مانند ترسیدن از پادشاه ستمکار بترسم و به هر دو همچون مادری مهربان نیکی کنم و اطاعت و نیکوکاری‌ام را به آنان، در نظرم از خواب خواب‌آلوده شیرین‌تر و برای سوز سینه‌ام، از شربت گوارا در ذائقه تشنه خنک‌تر گردان تا خواسته هر دو را از خواسته خود بیشتر دوست داشته باشم و خشنودی آن‌ها را بر خشنودی خود پیش اندازم و نیکوکاری ایشان را در حق خود، هرچند اندک باشد، زیاد شمارم و نیکوکاری خود را درباره ایشان، هرچند بسیار باشد اندک به شمار آورم. خدایا! صدایم را در محضر آنان آهسته و گفتارم را

اوقات شبم و در هر ساعتی از ساعات روزم، از یادم میر. خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا به برکت دعایی که برای آنان می‌کنم پیامرز و آنان را به خاطر احسانشان به من، در گردونه‌آمزش قرار ده؛ آمرزشی لازم و قطعی و به خاطر شفاعتم در حق آنان، از آنها خشنود شو؛ خشنودی استوار و پابرجا، و آنان را با گرمی داشتن به جاهای سلامت برسان.

خدایا! اگر آمرزش نسبت به آنها بر من پیشی گرفته است، پس ایشان را شفیع من قرار ده، و اگر مرا پیش از آنها مورد مغفرت قرار داده‌ای، پس مرا شفیع آنان کن تا در پرتو مهربانی‌ات، در سرای کرامتت و جایگاه آمرزش و رحمتت گرد آییم. همانا تو دارای احسان عظیم و نعمت قدیمی هستی و تو مهربان‌ترین مهربانانی.

منبع: صحیفه سجادیه. دعای بیست و چهارم. ترجمه حسین انصاریان <https://www.erfan.ir/farsi/sahifeh24>. دسترسی در تاریخ ۱۴۰۱/۶/۹

همه بر خود تنگ گرفتند تا در زندگی من گشایش باشد، چه می‌شود؟! بعید است که بتوانند حق خود را به‌طور کامل از من دریافت کنند و من قدرت ندارم حقوقی که از ایشان بر عهده من واجب شده است را تدارک کنم، و وظیفه خدمت به آن دو را به جا آورم. پس بر محمد و آلش درود فرست و ای اعطاکننده‌ترین کسی که از او درخواست و تقاضا شود! مرا بر ادای حق آنان یاری ده و ای راهنماترین کسی که به او رو کنند، مرا برای خدمت به پدر و مادر توفیق عنایت کن و روزی را که هر انسانی به دلیل آنچه مرتکب شده جزا داده می‌شود و در برنامه جزا به آنان ستم نمی‌شود، مرا در زمره آنان که عاق پدران و مادران اند، قرار مده.

خدایا! بر محمد و آلش و بر نسل او درود فرست و پدر و مادرم را به برترین چیزی که پدران و مادران بندگان مؤمنان را به آن اختصاص دادی، اختصاص ده. ای مهربان‌ترین مهربانان!

خدایا! یاد ایشان را در پی نمازهایم و در هر وقتی از



پیام سلامت و دین (۱۵)

سرمایه معنوی (spiritual capital)، یکی از اشکال سرمایه در مقیاس فردی، جمعی و سازمانی است که حاصل پرورش ارزش‌های معنوی درونی هر فرد از قبیل تواضع، شفقت، گذشت، همدلی، عطف و همکاری است.

«سرمایه معنوی» می‌تواند با عمق‌بخشی به زندگی و تقویت همبستگی بین افراد و انسجام‌بخشی به رفتارهای سازمانی؛ افزایش تاب‌آوری، ارتقای کیفیت زندگی و حرکت به سمت اهداف و مصالح عمومی را در پی داشته باشد.

تأثیر آموزه‌های قرآن کریم در تحلیل نقش مؤلفه سن در بهزیستی

نورا کمالیون

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، اصفهان.

پرستو فرجی

گروه تحقیقات خون و آنکولوژی، بیمارستان آموزشی خدماتی
درمانی بهرامی، دانشگاه علوم پزشکی تهران.

محمود شکوهی تبار

گروه مطالعات قرآن و حدیث در سلامت، دانشکده سلامت و
دین، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.

shokouhi@muq.ac.ir

مزیت‌ها را دارند از بالاترین بهزیستی و بیشترین شادی برخوردارند. به عبارت دیگر، «فرد شاد، به عنوان فردی جوان، سالم، تحصیل کرده، با درآمد خوب، برون‌گرا، خوش‌بین، بی‌دغدغه، متدین، متأهل با عزت‌نفس بالا، روحیه شغلی بالا، آرزوهای غیر طولانی (غیر بزرگ) ظاهر می‌شود». جنسیت و طیفی وسیع از هوش و استعداد نیز در این زمینه دخیل است. برخی دیگر معتقدند که شادی بیشتر به رضایت از داشته‌ها مربوط می‌شود تا میزان دارایی انسان (Koenig, King, Verna, Carson 2012).

بعد از شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در بهزیستی و شادکامی، به نخستین مؤلفه، یعنی سن می‌پردازیم و بر آنیم تا تأثیر آموزه‌های قرآن کریم در تحلیل نقش مؤلفه سن در بهزیستی را به بحث بگذاریم.

بر اساس تحقیقات چهار دهه اخیر، سن افراد در سطح بهزیستی‌شان مؤثر است؛ برای نمونه Wilson (۱۹۶۷)، نخست تأکید می‌کند که این جوانان هستند که بیشترین بهزیستی را دارند. یقیناً، بهترین زمان زندگی در جوانی است که سلامتی، زیبایی و قدرت در اوج است؛ زمانی که ترس‌ها، نگرانی‌ها و احتیاط‌ها اغلب نگران‌کننده نیستند و زمانی که امکان‌های آینده تقریباً نامحدود و زندگی بدون پایان به نظر می‌رسد. در واقع، بسیاری از مطالعات اولیه گزارش کردند که افراد جوان شادتر از افراد مسن‌تر هستند (Diener 1984).

اما تحقیقات بعدی نشان داد که چنین نیست. در مطالعه‌ای که حدود سی سال پیش انجام شد، ویت و همکارانش (۱۹۸۰) داده‌های هفده نظرسنجی ملی ایالات متحده را بین سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۷۰ تجزیه و تحلیل کردند و دریافتند که پس از کنترل ادراک سلامت، مذهب، درآمد و سایر ویژگی‌ها، ارتباط بین سن و شادی تغییر کرده و از عدم رابطه به یک رابطه تا حدودی مثبت به نفع افراد مسن، تغییر پیدا کرده است (Koenig, King, Verna, Carson 2012).

تحقیقات جدیدتر (Blanchflower and Oswald, 2008) از بررسی داده‌های دو میلیون نفر از نزدیک به هشتاد کشور، نشان داد که رضایت از زندگی در اواسط تا اواخر دهه چهل زندگی فرد، به پایین‌ترین حد خود رسیده است (در ایالات متحده، سن ۴۵ سالگی است). این مسئله در خصوص مردان و زنان و در کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته صادق بود. به همین ترتیب، میان‌سالی زمانی است که افسردگی، حداقل در غرب اروپا، شایع‌ترین زمان است.

داده‌های ۹۷۲۴۶۴ نفری که در نظرسنجی نیروی کار بریتانیا مورد مطالعه قرار گرفتند، نشان داد که افسردگی در سن ۴۵ سالگی بیشترین شیوع و در سن‌های ۱۶ تا ۲۰ و ۶۵ تا ۷۰ سالگی کمترین میزان شیوع را دارد. سایر داده‌های اروپایی نیز نشان می‌دهد که پریشانی عاطفی

بهزیستن، در عرف به معنای شاد بودن، سلامتی، کامیابی و همچنین به معنای موقعیتی خوب و رضایت‌بخش از زندگی متداول است. در دوران مدرن، بعد از جنگ جهانی دوم، در مفهوم بهزیستی عمدتاً به مؤلفه اقتصادی توجه می‌شد، اما در دو دهه اخیر، به این مفهوم عمیق‌تر و جامع‌تر نگریسته می‌شود (شریفیان ثانی و زنجری، ۱۳۹۲: ۶۷). بهزیستی به صورت طیفی است که یک سر طیف، بهزیستی بالاست که شامل خوشحالی واقعی و زندگی در حال و ... است و سر دیگر آن بهزیستی پایین مثل احساس فشار، ناراحتی، ناامیدی و ... است. انسان‌ها ترجیح می‌دهند به جای اینکه یک زندگی ساده داشته باشند که فقط احساس درد و رنج نداشته باشند، بکشند تا لذت بردن و کامل بودن و معنا را تجربه کنند. دیوید مایرز (۱۹۹۳) در کتاب خود به نام «تعقیب خوشبختی» به اظهار نظر ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ پیش از میلاد) اشاره می‌کند که شادی «خیر برتر» است و «همه چیز دیگر وسیله‌ای برای دستیابی به آن است» (David Myers, 1992: p19). همچنین، روانشناس آمریکایی ویلیام جیمز (۱۸۹۰) می‌نویسد: «چگونه به دست آوردن، چگونه حفظ کردن و چگونه بازیابی کردن شادی، در واقع برای اکثر افراد انگیزه پنهانی کارهایشان است» (James, 1890: p. 19) که همه می‌تواند حاکی از اهمیت شادکامی باشد.

اخیراً، Ed Diener (۲۰۰۶)، متخصص رضایت از زندگی (life-satisfaction) به این نتیجه رسید که بهزیستی ذهنی مهم‌ترین بخش زندگی و مهم‌تر از موفقیت مادی است.

برای درک بهتر این مفهوم، لازم است پیش‌بینی‌کننده‌های بهزیستی را مورد بحث قرار داده، به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که چه اطلاعاتی در مورد افرادی که بهزیستی بالا را تجربه می‌کنند، وجود دارد؟ ویژگی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای آن‌ها چیست؟ طبق بررسی وارنر Wilson (۱۹۶۷)، افرادی که بیشترین

در سن ۴۷ سالگی به اوج خود می‌رسد (Blanchflower and Oswald 2008).

چرا میان‌سالانی است که رضایت از زندگی به کمترین حد و پریشانی روانی به بالاترین حد می‌رسد؟ بلانچفلور و اسوالد حدس می‌زنند این زمانی است که بسیاری از مردم متوجه می‌شوند که هرگز به اهداف و آرزوهای بلندی که در دوران جوانی خود داشتند دست نخواهند یافت. در نتیجه، آن‌ها مبارزه می‌کنند و در نهایت «قبول می‌کنند» که زندگی به همان اندازه که امکان آن هست، خوب باشد. نکته قابل توجه اینکه با وجود اینکه دین در اواخر زندگی به اوج می‌رسد، هیچ اشاره‌ای به دین نشده است.

نقش دین و آموزه‌های قرآنی در تحلیل نقش مؤلفه سن در بهزیستی را می‌توان چنین توضیح داد که نوع انسان‌ها در جوانی به دنبال آرزوهای دور و دراز مادی هستند و از راه‌های مختلف می‌کوشند این اهداف را برآورده سازند، ولی بعد از گذشت سال‌ها و در واقع از دست دادن نیروی جوانی، نشاط و قدرت به این نتیجه می‌رسند که این آرزوها سرایی بیش نبوده است. قرآن انسان‌ها را از اینکه آرزوهای دور و دراز مادی داشته باشند، بر حذر داشته و آن را یکی از ابزارهای شیطان معرفی کرده است که بدین وسیله انسان‌ها را از واقعیت‌ها دور کند و فریب دهد: «وَلَا ضَلَالَةٌ لَهُمْ وَلَا أُمْبُتٌ لَهُمْ... بَعْدَهُمْ وَبِمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (نساء: ۱۱۹-۱۲۰)» و آن‌ها را گمراه می‌کنم! و به آرزوها سرگرم می‌سازم... شیطان به آن‌ها وعده‌ها (ی دروغین) می‌دهد؛ و به آرزوها، سرگرم می‌سازد؛ درحالی که جز فریب و نیرنگ، به آن‌ها وعده نمی‌دهد». آیات وحی با توسعه نگاه انسان به هستی، حیات را به زندگی دنیا و آخرت تقسیم کرده و زندگی دنیوی را «قلیل» دانسته است: «... قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى...» (نساء: ۷۷) و زندگی اخروی را زندگی باقی‌تر و مهم‌تر معرفی کرده و آن را آموزه مشترک انبیا در طول تاریخ دانسته است: «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى. إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى. صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى (اعلی: ۱۶-۱۹)» ولی شما زندگی دنیا را مقدم می‌دارید، درحالی که آخرت بهتر و پایدارتر است! این دستورها در کتب آسمانی پیشین (نیز) آمده است، در کتب ابراهیم و موسی».

به این ترتیب، آموزه‌های قرآنی انسان را از اینکه عمری با آرزوهای دور و دراز زندگی کند و عمر خود را صرف به دست آوردن این اهداف بزرگ مادی کند، بر حذر می‌دارد و او را متوجه ارزش‌های واقعی می‌گرداند

که همان ارزش‌های اخلاقی و رشد و تعالی معنوی است.

البته این مسئله ممکن است در خصوص افرادی که آرزوهای بلند معنوی برای خود انتخاب کرده‌اند نیز به نوعی دیگر صادق باشد. به این معنا که افرادی در جوانی به دنبال دستیابی به آرزوهای بزرگ معنوی باشند، ولی در میان‌سالانی با دیدن واقعیت‌ها و موانع و نرسیدن به این اهداف سرخورده شوند. واقعیت هم این است که افراد در جوانی آرزوی زیادی برای تغییر ویژگی‌های خود، اطرافیان و جامعه پیرامون خود دارند؛ اهدافی که خیلی از اوقات ممکن است با وجود برنامه‌ریزی و تلاش، به دلایل مختلف به آن نرسند. آموزه‌های قرآنی در این زمینه کمک می‌کند که انسان به جای تمرکز بر نتایج و اهداف بر مسیر تمرکز داشته باشد. آیه شریفه ۳۹ سوره مبارک نجم به زیبایی بر این نکته تأکید دارد و می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست». بر اساس این آیه، ارزیابی عملکرد انسان و در نتیجه ارزشمندی او، در گرو تلاش برای درک درست واقعیات و عمل در این راستاست. بنابراین، ممکن است فردی به لحاظ نتیجه نتواند موفقیت ظاهری چندانی به دست بیاورد، ولی در نزد خداوند موفق‌تر از دیگران باشد. مفهوم تکلیف‌گرایی که مورد توجه اسلام است نیز اشاره به همین موضوع دارد.

بر اساس مطالب پیش‌گفته، در صورت باور و عمل به این توصیه‌های وحیانی، انسان بهره بیشتری از بهزیستی خواهد برد و با زندگی بر اساس واقعیات آرامش بیشتری را در زندگی تجربه خواهد کرد.

منابع:

- قرآن کریم.

- شریفیان‌ثانی، مریم؛ زنجری، نسبه (۱۳۹۲). «بهزیستن به‌عنوان مفهومی چندبعدی: واکاوی مفاهیم و تعاریف». فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۵۲.

- Blanchflower, D. G., and A. J. Oswald. 2008. "Is well-being U-shaped over the life cycle?" *Social Science and Medicine* 66: 1733-1749.

- Diener, E., R. E. Lucas, and C. N. Scollon. 2006. "Beyond the hedonic treadmill: Revising the adaptation theory of well-being."

- *American Psychologist* 61: 305-314.

- Harold Koenig & Dana King & Verna B. Carson (۲۰۱۲). *Handbook of Religion and Health*. Oxford University Press

- James, W (1890) *The Principles of Psychology*. New York: Holt.

- Myers, D. G. 1992. *The Pursuit of Happiness: Who is Happy and Why?* London: The Aquarian Press (imprint of HarperCollins).

- Wilson, W. R. 1967. "Correlates of avowed happiness." *Psychological Bulletin* 67: 294-306.

خودشناسی و تأثیر آن در سلامت جسم و روان

زهره ساجد

واحد سلامت روان، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، قم

ایران

Sazohre594@gmail.com

می‌شمارد (شناسایی توانایی‌ها و صفات مثبت خود و تلاش برای شکوفا کردن آن‌ها برای حذف صفات بد و منفی و رسیدن به کمال). امیرمؤمنان نیز می‌فرمایند: «در شگفتم از کسی که خود را نمی‌شناسد، چگونه می‌تواند پروردگارش را بشناسد» (میرجلال‌الدین ارموی، ۱۳۷۷). اسلام برخلاف سایر ادیان به شناخت انسان اهمیت بسیار زیادی داده و وی را به شناخت سفارش کرده است تا بتواند راه صحیح سعادت را انتخاب کند.

یکی از عوامل خودشناسی، آشنایی با نقص‌های خود است. ترس و وحشت از اعتراف به نقایص خود باعث می‌شود که انسان بر واقعیت درونی خود پرده افکنده، برای برداشتن آن نکوشد، اما با تلاش و صداقت می‌توان به نقص‌های درونی آگاهی یافت و برای برطرف کردن آن‌ها کمر همت بست (سادات، ۱۳۹۴).

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمودند: «من عرف نفسه فقد عرف ربه: کسی که خود را بشناسد همانا پروردگارش را شناخته است» (آقاجمال خوانساری، ۱۳۹۶).

علامه طباطبایی فرمود: «خداوند مؤمنان را به ملازم بودن به خویشتن که همان حفظ کردن راه هدایت است، ترغیب کرده و می‌فهماند راهی که لازم است انسان‌ها بیمایند، راه خویشتن است که ایشان را به شناخت خداوند و سعادت حقیقی می‌رساند» (مرکز تحقیقات علوم اسلامی سپاه، ۱۳۷۸). خودشناسی اولین قدم در راه پیشرفت قوای بشری است. پس اگر بخواهیم از نیروی خود و فرصت‌های زندگی بیشترین استفاده را ببریم، لازم است پیش از هر چیز به استعدادها و خود نظری داشته، آن‌ها را بشناسیم. پیامبر اکرم می‌فرمایند: «بایمان‌ترین شما با شناخت‌ترین شماست» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴).

انتظاری که از خودشناسی می‌رود، منحصر به این نیست که مقصد را به ما نشان دهد، بلکه انتظار داریم مسیر حرکت را نیز به ما معرفی کند. مسیر حرکت وقتی روشن می‌شود که بتوانیم افعال مناسب برای رسیدن به مقصد را شناسایی کنیم. هر فعلی که ما انجام می‌دهیم یک یا چند بعد از ابعاد وجود ما را تحت تأثیر قرار

خودشناسی، یعنی تصویر هر کس از خودش و اینکه خودش را چگونه می‌بیند که در واقع، خود پنداره هر شخص است.

خودشناسی، موجب تنظیم ارتباط انسان در ابعاد چهارگانه ارتباط انسان با خداوند، جهان هستی، سایر انسان‌ها و خویشتن می‌گردد. هم‌چنین، موجب آگاهی انسان از استعدادها و کمالات وجودی خویشتن و نیز اوصاف و رذایل اخلاقی نكوهیده‌اش است. این مهارت به انسان کمک می‌کند تا از طریق خودسازی و تهذیب نفس، بر جنبه‌های منفی وجودیش غلبه کرده، در مسیر تعالی اخلاقی و تکامل معنوی خویش گام بردارد. اسلام همواره بر شناخت نفس و مراتب مختلف آن تأکید می‌کند. بر این اساس، می‌توان گفت که در بینش اسلام منظور از معرفت انفسی، شناخت همه حالات و مراتب نفسانی انسان در دو بعد مادی و معنوی است.

انسان با خودشناسی و آگاهی از توانایی‌ها و استعدادها و فطری و غیر فطری خویش (نقاط ضعف و قوت) می‌تواند در مسیر خودسازی و تهذیب نفس پیش رود و با غلبه بر بعد مادی و تمایلات شهوانی وجود خویشتن، مراحل کمال انسانی را طی کند و در نهایت، به سر منزل مقصود که همان قرب الهی است برسد. نتیجه اینکه، خودشناسی از موضوعات محوری در تربیت انسان و آراستگی وی به فضایل اخلاقی است. اسلام، همواره به خودشناسی و معرفت نفس از آن‌رو که مبدأ حرکت تکاملی انسان در رسیدن به قرب آفریدگار است، تأکید می‌کند.

قرآن کریم، فراموش کردن خود را نتیجه فراموش کردن خدا برمی‌شمارد و می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» (حشر: ۱۹): مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، پس خدا هم خودشان را از یادشان برد». قرآن کریم در تلاش است که انسان «خود» را کشف کند. این «خود»، «خود» شناسنامه‌ای نیست که اسمت چیست؟ اسم پدرت چیست و در چه سالی متولد شده‌ای؟ و تابع چه کشوری هستی؟ «خود»، همان چیزی است که «روح الهی» نامیده می‌شود و با شناختن «خود» است که (انسان) احساس شرافت و کرامت می‌کند و خویشتن را از تن دادن به پستی‌ها برتر

می‌کشند .

۳. موفقیت‌ها و شکست‌های خود را می‌شناسند و به موفقیت‌های خود افتخار می‌کنند و از شکست‌هایشان درس می‌گیرند.

۴. به خود و دیگران احترام می‌گذارند.

۵. برای رسیدن به اهداف خود تلاش می‌کنند.

۶. مسئولیت اعمال و رفتار خود را می‌پذیرند.

شما می‌توانید برای خودشناسی بیشتر تمرین ذیل را انجام دهید.

برگه خودشناسی

شما می‌توانید بعد از مدتی، دوباره این تمرین را انجام دهید تا ببینید چه میزان توانسته‌اید خودشناسی خود را تغییر داده، به عزت‌تفس و اعتمادبه‌نفس برسید.

منابع:

- قرآن کریم.

- خوانساری، آقا جمال. غررالحکم و دررالحکم. انتشارات تهران. (۱۳۹۶)

- مرکز تحقیقات اسلامی. سپاه انسان‌شناسی. ص ۱۱. (۱۳۷۸)

- سعادت، محمدعلی. اخلاق اسلامی. انتشارات سمت. (۱۳۹۴)

- محمد محمدی، ری‌شهری. میزان الحکمه. انتشارات دارالحدیث.

(۱۳۸۴)

- روش‌های خودشناسی از دیدگاه قرآن و روایات / hawzahnews.com/news/365936

می‌دهد. برخی از افعال به پرورش بُعد علمی و تکامل قوه عاقله ما کمک می‌کند و برخی به اعتدال قوه غضبیه و شهویه ما یاری می‌رسانند. اگر کسی بدانند کدام افعال، ابعاد وجودی او را به اندازه مناسب پرورش می‌دهد تا او بتواند به مقصد نهایی برسد، در واقع راه را می‌شناسد. بنابراین، کسی که راه را نمی‌شناسد، افعال مناسب برای رسیدن به مقصد را نمی‌داند. از امیر مؤمنان علیه السلام در این باره نقل شده است که فرمودند: «معرفة النفس أنفع المعارف: خودشناسی سودمندترین دانش‌هاست» (خوانساری. ۱۳۹۶).

همچنین حضرت می‌فرمایند: «اعظم الجهل جهل الانسان امر نفسه: بزرگ‌ترین نادانی، خود ناشناسی انسان است» (خوانساری. ۱۳۹۶).

و نیز فرمودند: «نال الفوز الاکبر من ظفر بمعرفة النفس: کسی که به شناخت خود دست یابد به بزرگ‌ترین رستگاری و پیروزی رسیده است» (خوانساری. ۱۳۹۶).

ویژگی‌های افرادی که خودشان را می‌شناسند:

۱. خصوصیات مثبت و توانایی‌ها و استعدادها را می‌شناسند و به آن افتخار می‌کنند.

۲. خصوصیات منفی و شکست‌های خود را می‌شناسند و آن را می‌پذیرند و در راستای اصلاح آن

ویژگی‌های مثبت من

ویژگی‌های مثبت من از نگاه دیگران	ویژگی‌های مثبت من از نگاه خودم	
		ظاهر کلی من
		هوش من
		روابط من
		استعدادها و توانایی‌های من
		شخصیت من

نقاط ضعف من

اگر آن را اصلاح کنم چه احساسی درباره خودم پیدا خواهم کرد؟	کارهایی که می‌توانم برای اصلاح آن انجام دهم چیست؟	نقاط ضعف من

احکام اوتانازی (۳)؛ بررسی فقهی اقسام اوتانازی غیرفعال

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،
دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.
a.mashkooori@gmail.com

در دو شماره پیشین، اقسام اوتانازی و احکام اوتانازی
فعال بحث شد. در این شماره، به بحث فقهی اوتانازی
غیر فعال می‌پردازیم.

اوتانازی غیرفعال، عدم شروع درمان یا ادامه ندادن
درمان‌های لازم برای حفظ حیات بیمار و اقدامی منفی
و از نوع ترك فعل است. همان‌طور که پیش‌ازین گفته
شد، اوتانازی غیرفعال به دو قسم داوطلبانه و غیر
داوطلبانه تقسیم می‌شود.

بحث فقهی اوتانازی غیر فعال داوطلبانه

در این بخش، این پرسش مطرح است که آیا
می‌توان ادعا کرد چون بیمار موظف به حفظ نفس
است، اوتانازی غیر فعال داوطلبانه خلاف شرع
است؟ به همین سیاق، آیا پزشک مجاز است از انجام
درمان‌های لازم برای حفظ حیات بیمار خودداری کند؟

ادله و وجوب حفظ نفس

۱- به استناد دو آیه شریفه ۱۹۵ سوره بقره: «وَلَا
تَأْتُوا بِأَیْدِیْكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» و ۲۹ سوره نساء: «وَلَا تَقْتُلُوا
أَنفُسَکُمْ» مؤمن نباید موجبات هلاکت و مرگ خود را
فراهم کند. طبیعتاً، در صورتی که خودداری بیمار از
درمان موجب مرگ وی شود، می‌تواند مصداقی از نهی
آیه یادشده و دلیل بر حرمت اوتانازی باشد.

۲- استدلال به ادله حرمت اضرار به نفس که در
مقاله پیوند اعضا بدان اشاره شد (مشکوری، ۱۴۰۱).

۳- روایات و ادله حرمت خودکشی.

افزون بر دلایل قرآنی و روایی گفته شده، مرحوم
نراقی وجوب حفظ نفس را از این جهت که حفظ نفس،
مقدمه اکثر واجبات است نیز واجب می‌دانند (نراقی،
۱۴۱۵ ق).

بحث فقهی اوتانازی غیر فعال غیر داوطلبانه

تفاوت این قسم با قسم قبلی در داوطلبانه نبودن
اوتانازی است؛ یعنی در اینجا بیمار نیست که از درمان
امتناع می‌کند، بلکه این پزشک است که از ارائه درمان
خودداری می‌کند.

دلایل وجوب نجات نفس محترمه

برای اثبات وجوب نجات نفس محترمه، برخی
فقه‌ها به آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا
أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» استناد کرده‌اند. آنچه از این آیه
استفاده می‌شود، اهمیت فوق‌العاده و ارزش بسیار بالای
نجات جان دیگران است. صدر آیه نیز درباره قتل
نفس محترمه است. برخی نیز به استناد برخی روایات،
خودداری از نجات بیمار را شریک بودن در جنایت
می‌دانند.

«عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان المسيح عليه السلام يقول:
إن التارك شفاء المجروح من جرحة شريك لجارحه
لامحالة وذلك أن الجراح أراد فساد المجروح والتارك
لاشفائه لم يشأ صلاحه فإذا لم يشأ صلاحه فقد شاء
فساده اضطراراً» (کلینی، ۱۳۸۸ ق). بر اساس این حدیث
شریف، کسی که از درمان فرد مجروح خودداری کند،
شریک جرم فرد مهاجم و جانی اعلام شده است.

برخی فقه‌ها نیز نجات نفس محترمه را از واجبات
برشمرده‌اند. شهید اول در ذکری (شهید اول، ۱۴۱۹ ق)
و شهید ثانی در لمعه (شهید ثانی، ۱۴۱۲ ق) نجات
نفس محترمه را از ضرورات ذکر می‌کنند. همچنین،
صاحب جواهر وجوب نجات را بلاخلاف و اشکال
اعلام کرده‌اند (نجفی، ۱۹۸۳). همچنین، برخی فقهای
معاصر به وجوب نجات جان جینی که در رحم مادر
متوفایش در معرض خطر است استناد کرده‌اند و نجات
نفس محترمه را اولی از نجات جنین اعلام کرده‌اند
(محسنی، ۱۳۸۷).

منابع:

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ ق). الکافی. تهران: دارالکتب
الاسلامیه. ج ۸. ص ۳۴۵.
- نراقی، احمد (۱۴۱۵ ق). مستند الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت. ج
۱۵. ص ۳۷.
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۹ ق). ذکری الشیعه فی
أحكام الشریعة. قم: مؤسسه آل‌البیت عليه السلام. ج ۴. ص ۶.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۱۴۱۲ ق). الروضة البهیة
فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
ج ۲. ص ۲۳۹.
- نجفی، محمدحسن (۱۹۸۳ م). جواهر الکلام. بیروت: دار احیاء
التراث العربی. ج ۲۸. ص ۱۶۰.
- محسنی، محمد آصف (۱۳۸۷). حدود الشریعه. قم: بوستان
کتاب. ج ۲. ص ۲۲۲.
- مشکوری، احمد (۱۴۰۱). (ماهنامه دانش سلامت و دین). دانشگاه
علوم پزشکی قم. سال چهارم، شماره ۵۰. ص ۱۳. احکام پیوند اعضا (۲).

در برخی روایات، کسی که از درمان فرد
مجروح خودداری کند، شریک جرم
فرد مهاجم و جانی اعلام شده است.

خانم ۵۵ ساله در لیست عمل جراحی کوله سیستکتومی قرار دارد. پرستار بخش جراحی، اقدامات و آمادگی‌های پیش از عمل را انجام داده است و بیمار را به اتاق عمل تحویل می‌دهد. پس از تحویل بیمار، وسایل شخصی بیمار شامل دفترچه درمانی، زیورآلات و یک پروتز دندانی متحرک را به یکی از اعضای خانواده (همسر پسر بیمار) تحویل می‌دهد. یک روز پس از جراحی و شروع تغذیه دهانی، بیمار وسایل شخصی اش را از عروس خانواده دریافت می‌کند و به سرپرستار بخش می‌گوید که از این موضوع به شدت ناراحت است و اصلاً فکر نمی‌کرده که ممکن است وسایل شخصی، به کسی دیگر تحویل داده شود و از سرپرستار می‌خواهد که در خصوص این موضوع اقدامات لازم را انجام دهد.

تحلیل مورد

هرگونه اطلاعاتی که پزشک و دیگر کارکنان نظام سلامت، به مناسبت فعالیت حرفه‌ای، از بیمار به دست می‌آورد، سرّ حرفه‌ای برشمرده می‌شود و می‌تواند شامل موارد ذیل باشد (عباسی، ۱۳۹۷):

۱. اطلاعاتی که خود بیمار در اختیار کارکنان نظام سلامت قرار می‌دهد.
۲. اطلاعاتی که به واسطه معاینه بیمار و مشاهده محیط اطراف و احوال زندگی وی به دست می‌آید.
۳. اطلاعاتی که اشخاص ثالث در خصوص بیمار در اختیار قرار می‌دهند.

افزون بر پزشک، همه کسانی که با او همکاری می‌کنند، موظف‌اند سرّ حرفه‌ای را حفظ نمایند. پرستار، ماما و داروساز نیز دارای مسئولیت حرفه‌ای هستند.

حفظ اسرار بیمار، به وسیله پزشک و کادر درمانی از حقوق مسلم بیمار است؛ به طوری که ماده ششم منشور حقوق بیمار ایران، مصوب ۱۳۸۰ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مقرر کرده است: «بیمار حق دارد برای حفظ حریم شخصی خود، از محرمانه ماندن محتوای پرونده پزشکی، نتایج معاینات و مشاوره‌های بالینی، جز در مواردی که بر اساس وظایف قانونی از گروه معالج صورت می‌گیرد، اطمینان یابد» (عباسی، ۱۳۹۷؛ پارسا، ۱۳۸۸).

گاه، برخی اطلاعات شخصی افراد، مانند اطلاعاتی که ممکن است در سوابق دفترچه

افشای اسرار بیمار

حمید آسایش

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.

hasayesh@gmail.com

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.

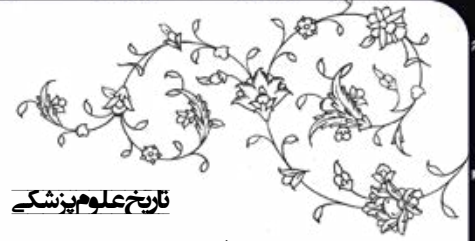
درمانی ثبت شده باشد و یا مستندات (مانند نتایج آزمایش‌ها و گزارش‌های تصویربرداری و...) و برخی وسایل شخصی که بیمار به همراه خود به بیمارستان می‌آورد، به عنوان سرّ حرفه‌ای مدنظر قرار نمی‌گیرد و در راستای حفظ محرمانگی آن‌ها دقت لازم صورت نمی‌گیرد. رویکرد قوانین در ایران، تأکید بر رازپوشی مطلق است و جز در مواردی که قانون مجاز می‌داند، باید تا پایان عمر، اسرار پزشکی را به صورت محرمانه حفظ کرد (عباسی، ۱۳۹۷).

در خصوص مورد یادشده، بیمار بر اساس اعتمادی که به پرستار و پزشک دارد وسایل شخصی، شامل دفترچه درمانی، زیورآلات و پروتز دندانی متحرک را در اختیار پرستار قرار داده است و پرستار بدون توجه به محرمانه بودن این اطلاعات و اخذ رضایت از بیمار، سبب کشف اسرار به دیگران شده و این موضوع سبب ناراحتی و نارضایتی بیمار شده است و در صورت شکایت رسمی بیمار، مجازاتی از قبیل جزای نقدی یا حبس برای کشف سرّ غیرقانونی در نظر گرفته شده است (شجاعی، ۱۳۹۱).

منابع:

- عباسی، محمود (۱۳۹۷). حقوق جزای پزشکی. انتشارات حقوقی. ص ۱۸۰-۲۱۲.
- پارسا، مجتبی (۱۳۸۸). «حریم خصوصی و رازداری در پزشکی و جنبه‌های مختلف آن». مجله اخلاق و تاریخ پزشکی. ج ۲. ص ۱-۱۴.
- شجاعی، امیراحمد؛ ابوالحسنی نیارکی، فرشته (۱۳۹۱). «نقش و پیامدهای اعتماد در رابطه پزشک و بیمار». مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی. ۴(۵): ۲۵-۳۲.

تمام اطلاعات به دست آمده از بیمار به واسطه حرفه، اسرار پزشکی برشمرده می‌شود.



تاریخ علوم پزشکی

معرفی سند اجازه نامه و گواهی طبابت «میرزا فضل الله وثوق الحکماء»

مریم محسنی سیف آبادی
گروه تاریخ علوم پزشکی، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه
علوم پزشکی قم، قم، ایران.
mamohseni@muq.ac.ir

اسناد، به عنوان بخشی مهم از منابع دست اول تاریخی، می‌توانند در حل و فصل نکات باریک و تاریک پژوهش‌های تاریخی، از جمله تاریخ پزشکی بسیار راهگشا باشند. اجازه‌نامه‌های پزشکی، بخشی از این اسناد ارزشمند هستند. با وجود اینکه صدور این اجازه‌نامه‌ها حتی در دوران باستان در ایران مرسوم بوده است، اما متأسفانه قدمت اکثر قریب به اتفاق اجازه‌نامه‌ها و گواهی‌های طبابت موجود در ایران به دوران قاجار بازمی‌گردد. این مقاله در پی معرفی اجمالی یک مجموعه سند هفت برگی از اجازه‌نامه‌ها و گواهی‌های طبابت فردی به نام میرزا فضل الله وثوق الحکماء است که در اواخر دوران قاجار و احتمالاً اوایل دوران پهلوی می‌زیسته است.

اولین سند این مجموعه گران بها در روز سه‌شنبه اول ذی‌حجه ۱۳۱۹ قمری در زمان حکومت مظفر الدین شاه قاجار به وسیله نظام الحکماء توقیع شد و در طول ۱۴ سال و ۹ ماه و ۲۲ روز اجازه‌نامه‌هایی از اطباء دیگر، همچون مؤتمن الاطباء، دکتر لوف، اعلم الملک، معتمد الحکماء، رکن الحکماء، ابراهیم الطباطبایی، اعتماد الحکماء، و سلطان الحکماء به آن اضافه شد تا بالاخره این مجموعه در تاریخ یکشنبه بیست و دوم رمضان ۱۳۳۴ قمری، با اجازه‌نامه رسمی وزارت معارف در سال‌های پایانی حکومت احمدشاه آخرین پادشاه قاجاریه تکمیل شد.

این مجموعه شامل ۷ برگ، ۱ قطعه عکس و ۱ قطعه تمبر بوده و به سه زبان فارسی، عربی و فرانسه نوشته شده است. نوشته‌های پایانی این سند به همراه امضاها و تاریخ‌های متعدد حاکی از دست‌به‌دست شدن‌های فراوان آن دارد، ولی سرانجام پس از تأسیس سازمان اسناد ملی ایران در سال ۱۳۴۹ شمسی این مجموعه در این مرکز بایگانی شد و چند سالی است که تصاویر آن در سایت مرکز آرشیو ملی ایران در دسترس عموم قرار گرفته است.

مطابق اطلاعات مندرج در این سند، میرزا فضل الله بن محمد، ملقب به وثوق الحکماء، در تبریز متولد شد و طب قدیم را نزد پدرش حاجی میرزا محمد ملقب به امین الحکماء آموخت. سپس به تهران مهاجرت کرد و طب جدید را با کسب علوم نظری و تجربه عملی در بیمارستان دولتی تهران و مطب طبیبانی حاذق، همچون سیدحسین ملقب به نظام الحکماء (۱۲۶۳ - ۱۳۴۵ ق) و زین‌العابدین

بن محمد ملقب به الطیب مؤتمن (۱۲۴۷ - ۱۳۲۶ ق) آموخت و در فیزیولوژی، پاتولوژی، کحالی، اعمال یدوی و انواع معالجات داخلی و خارجی تبحر لازم را به دست آورد. او پس از اتمام تحصیل به زادگاه خود تبریز بازگشت و در آنجا به کار طبابت مشغول شد.

در ادامه، تصویر و متن نخستین سند اجازه‌نامه نامبرده به همراه اجازه‌نامه رسمی وزارت معارف آورده می‌شود.

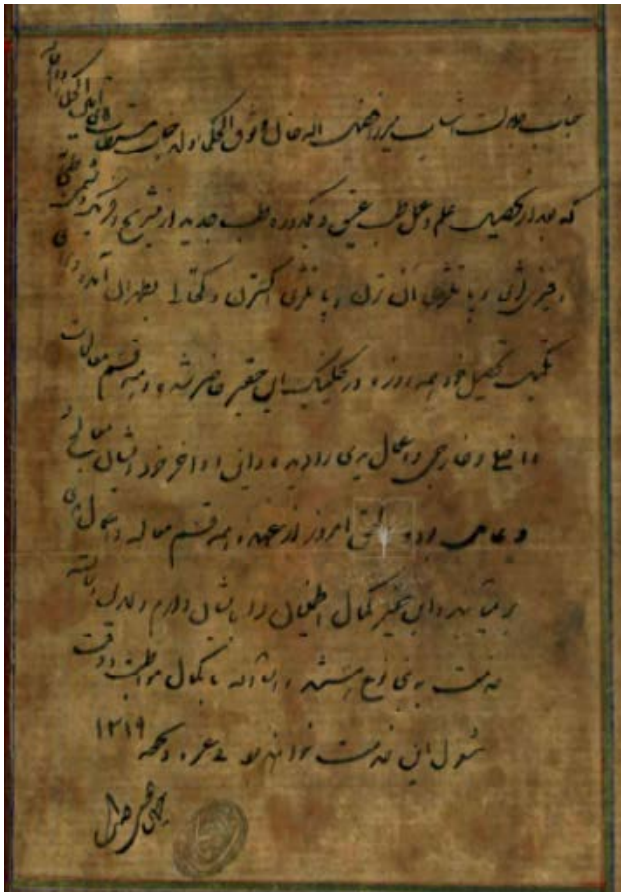
اولین سند اجازه‌نامه

متن نخستین سند اجازه‌نامه بدین شرح است:

«جناب جلالت انتساب میرزا فضل الله خان وثوق الحکماء ولد جناب مستطاب آقای امین الحکماء دام اقباله که بعد از تحصیل علم و عمل طب عتیق و یک دوره طب جدید از تشریح و فیزیک و شیمی طبی و فیزی لژی و پاتلژی آن ترن و پاتلژی اکسترن و کحالی بطهران آمده و برای تکمیل تحصیل خود همه روزه در کلینیک این حقیر حاضر شده و همه قسم معالجات داخلی و خارجی و اعمال یدی را دیده و این اواخر خود ایشان معالج و عامل بود و الحق امروز از عهده همه قسم معالجه و اعمال یدی برمی‌آیند و این حقیر کمال اطمینان را به ایشان دارم و لایق و شایسته خدمت به بنی نوع هستند و ان شاء الله با کمال مواظبت و دقت مشغول این خدمت خواهد بود.

فی غره ذی‌حجه ۱۳۱۹
حسین الحسینی طبیب
نظام الحکماء»

بی‌نوشت: به روز اول ماه قمری غُره گویند.





اجازه نامه رسمی وزارت معارف دولت علیه ایران

اجازه نامه رسمی وزارت معارف که از نظر تاریخی آخرین برگ این سند است، به منظور اعطای اجازه طبابت در تبریز به وثوق الاطباء در تاریخ اول مرداد (برج اسد) سال ۱۳۳۴ قمری برابر با سال لویئیل ترکی (سال نهنگ) با امضای رئیس کل معارف علی اعلم السلطنه، رئیس اداره حفظ الصحة، دکتر عبدالعلی سیف الاطباء و وزیر معارف مرتضی مرتضائی صادر شده است.

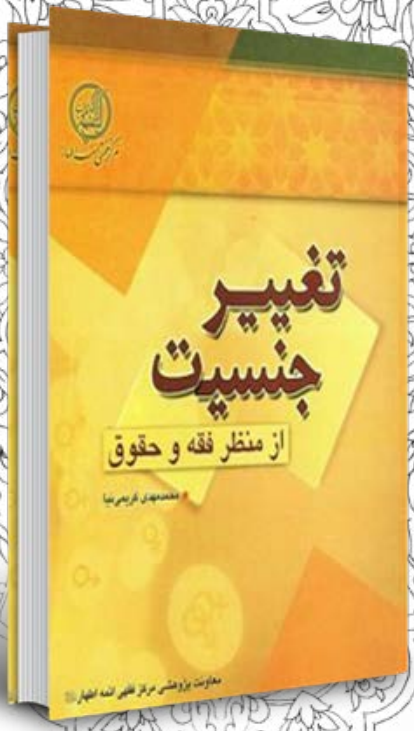
همان طور که مشاهده شد، اسناد و اجازه نامه ها

اطلاعات بسیاری، از جمله چگونگی و روند آموختن طب، عناوین دوره های آموزشی، نحوه سنجش مهارت محصلین طب، اساتید و اطباء برجسته و سمت آن ها، وضعیت و امکانات بهداشتی و حتی اهداف اصلی پرداختن به این علم را در آن دوره در اختیار پژوهشگران تاریخ پزشکی قرار می دهند.

منابع:

- اجازه نامه و گواهی طبابت میرزا فضل الله وثوق الحکماء (سند).
آرشیو ملی ایران: ش ۲۴۶۸۴/۲۹۶

اجازه نامه ها اطلاعات بسیاری، از جمله چگونگی و روند آموختن طب، عناوین دوره های آموزشی، نحوه سنجش مهارت محصلین طب، اساتید و اطباء برجسته و سمت آن ها، وضعیت و امکانات بهداشتی و حتی اهداف اصلی پرداختن به این علم را در آن دوره در اختیار پژوهشگران تاریخ پزشکی قرار می دهند.



معرفی کتاب

تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق

کتاب «تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق»، اثر محمدمهدی کریمی‌نیا، در سال ۱۳۸۹ از سوی مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در ۴۹۶ صفحه به چاپ رسید.

تغییر جنسیت، به معنای تبدیل پسر به دختر و یا برعکس، به‌عنوان یک پدیده خارجی و نوظهور، زمینه‌ساز پرسش‌های فراوان فقهی و حقوقی و عمدتاً در باب مباحث حقوق خانواده است که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است؛ مانند جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت، بقا یا عدم بقای ازدواج پس از تغییر جنسیت یکی از زوجین، ولایت و سرپرستی شخص پس از تغییر جنسیت، مسئله ارث، مهریه، و عناوین خانوادگی.

در گذشته، تغییر جنسیت یک امر غیر ممکن تلقی می‌شد، اما امروز هزاران عمل تغییر جنسیت انجام شده است؛ به‌گونه‌ای که اگر کسی این افراد را ببیند باور نمی‌کند که جنسیت فعلی او با جنسیت پیشین او متفاوت بوده است. این امر نه‌تنها در خصوص افراد بیماران جسمی، مانند دوجنسی‌ها صورت می‌گیرد، بلکه تغییر جنسیت در مورد افراد سالم نیز قابل تحقق است.

این کتاب چهار بخش دارد که عبارت‌اند از: تعاریف و کلیات؛ جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت؛ روابط زوجین پس از تغییر جنسیت؛ روابط زوجین پس از تغییر جنسیت نسبت به اولاد.

کریمی‌نیا در پایان کتاب، بخشی را به ضامم اختصاص داده است که شامل گفت‌وگو با برخی بیماران اختلال هویت جنسی، گزارش تفصیلی از اولین تغییر جنسیت در ایران و خارج ایران، فتاوا و دیدگاه‌های مراجع و فقیهان شیعه، و آیات و روایات مورد استناد و تصاویر است.

زهرا علایی طباطبایی
دانشکده سلامت و دین

مست صهبا

همه زیباست که جز پرتوی سیمای تو نیست
خوانده‌ام جز قد و جز قامت رعناى تو نیست
جز که تیرنگه دیده‌ی شهلای تو نیست
که به من گفت همین ناله تنهای تو نیست
تا نگویی چو سگی ناله و آوای تو نیست
نیست یک ذره که وی مظهر و مجلای تو نیست
چیست آن دیده که شیدای تماشای تو نیست
که به سرّ و سرمن غیر تمنای تو نیست
گر نه از جود تو سرمست ز صهبای تو نیست

ملک هستی به مثل جز قد و بالای تو نیست
من از آن فصل اقامت که بود قد قامت
مرهم داغ دل عاشق دل سوخته را
دوش در گرم فغانم سگی آمد به فغان
من و سگ هر دو سر کوی تو در افغانیم
همه جا جلوه جانانه تو در نظر است
چیست آن دل که ندارد شرف قرب و حضور
من نه کشف و نه کرامت طلبم از کرمت
حسنّت را ز چه رو اینهمه شور است و نوا



پیام سلامت و دین (۱۶)

طبق قاعده فقهی غرور، اگر از شخصی عملی صادر شد که به واسطه آن، فرد ناآگاهی دچار ضرر شد، جبران فسارت برعهده شخص اول است.

مثلا، چنانچه پزشک دستور انجام خدمات تشخیصی-درمانی غیر ضروری (تجویز دارو، آزمایش، تصویربرداری، جراحی و ...) دهد و بیمار به تصور ضروری بودن، خدمات را دریافت کند، جبران فسارت و هزینه وارد شده به بیمار، برعهده پزشک است.

بیاییم با دقت بیشتر به عملکرد خود بنگریم تا مدیون دیگران نشویم.